

الگوی بهینه مصرف درآمدهای نفتی

دکتر بهروز هادی زنوز*

چکیده:

در این مقاله الگوی بهینه مصرف عایدات نفت و گاز معرفی شده و بر اساس نتایج به دست آمده از الگو میزان پس انداز و مصرف عایدات نفت و گاز کشور در افق زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۶ پیش بینی گردد. در پایان مقاله بر اساس یافته‌های تحقیق، الگوی ایجاد صندوق درآمدهای نفت و گاز پیشنهاد شده است.

الگوی مورد نظر بر اساس حداکثرسازی مقید تابع مطلوبیت بین دوره‌ای مصرف کننده قرار دارد. به موجب این الگو تنها مصرف سود حاصل از ثروت نفتی در دراز مدت مجاز است و در پایان دوره بهره‌برداری از ثروت نفت و گاز، ثروت سرانه آحاد مردم با توجه به رشد جمعیت به میزان ثروت سرانه مردم از محل منابع طبیعی نفت و گاز در آغاز دوره خواهد بود.

برای نشان دادن ضرورت تشکیل صندوق درآمد نفت و گاز ابتدا به پیامدهای منفی اقتصاد نفتی تحت عنوان رانت‌جویی، بیماری هلندی و آثار زیانبار شوکهای نفتی بر اقتصاد اشاره شده است، سپس تجارب شکست‌خورده ایران در زمینه حل معضلات اقتصادی کشور از طریق تزریق بی حساب عایدات نفتی در دو مقطع زمانی برنامه پنجم عمرانی قبل از انقلاب (۱۳۵۶-۱۳۵۲) و دوره (۱۳۸۶-۱۳۸۴) اجمالاً مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقاله نشان داده شده است که ایجاد حساب ذخیره ارزی در برنامه سوم و تمدید مأموریت آن در برنامه چهارم گرچه گام مهمی در راستای مقابله با آثار زیانبار شوکهای نفتی و تسطیح عایدات نفت و گاز در طول زمان به حساب می‌آید، اما اهداف آن متفاوت از صندوق درآمدهای نفت و گاز بوده است.

*- عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و عضو گروه پژوهشی برنامه و بودجه معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک.

در مقاله بر این نکته تاکید شده است که دولتها و مجالس قانونگذاری در جهت تأمین نیازها و خواسته های بی پایان مردم همواره تلاش دارند بخش بزرگتری از درآمدهای نفتی را از طریق بودجه دولت به مصرف برسانند. به همین سبب به رغم پیش‌بینی سقف برداشت دولت از عایدات نفتی در برنامه‌های سوم و چهارم دولت و مجلس به قواعد رفتاری که بر سر آن به توافق رسیده اند وفادار نبوده اند.

با توجه به یافته فوق در پایان پیشنهاد شده است مقام رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام که دارای افق دید بلندمدت در جهت حفظ مصالح نظام می‌باشند، از تشکیل صندوق درآمدهای نفت و گاز حمایت کنند و پشتیبانی معنوی لازم را از آن به عمل آورند. باشد که دولتها و مجالس قانونگذاری به قوانینی که در این زمینه وضع خواهد شد تمکین نمایند.

مقدمه

بودجه دولت و متغیرهای پولی می‌گذارد. تأثیر نوسانات درآمدهای نفت و گاز و پایان‌پذیری ذخایر انرژی‌های اولیه کشور اتخاذ سیاست علمی مناسب را به منظور استفاده بهینه از ذخایر ثروت ملی به نفع رشد درازمدت اقتصاد ملی با ملحوظ داشتن عدالت بین‌نسلی را به یک ضرورت مبرم بدل ساخته است. در این مقاله تلاش شده است الگوی بهینه مصرف درآمدهای نفت و گاز ارائه شود.

۱. ذخایر انرژی ایران غنی است:

ایران از موهبت ثروت عظیم نفت و گاز برخوردار است. با آن که از زمان استخراج اولین چاه نفت در کشور تا پایان سال ۲۰۰۶ میلادی ۵۹/۴ میلیارد بشکه نفت برداشت کرده ایم، در پایان سال

از پایان جنگ جهانی دوم تا به امروز نفت در اقتصاد ایران اهمیت حیاتی داشته است و تلاش‌هایی که بعد از انقلاب در جهت رهایی از اقتصاد نفتی و متنوع کردن اقتصاد کشور به عمل آمده با توفیق کامل همراه نشده است. امروزه بخش مهمی از درآمدهای ارزی کشور و منابع بودجه عمومی دولت از طریق تولید و صدور نفت تأمین می‌شود و سهم نفت و گاز در تولید ناخالص داخلی در خور توجه است.

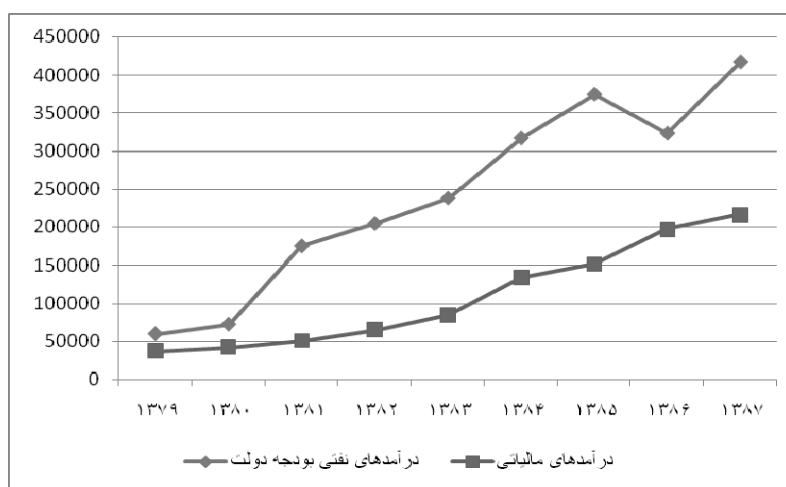
به تجربه این نکته به دانش عمومی تبدیل شده است که نوسانات درآمدهای حاصل از تولید و صدور نفت و گاز تأثیرات مهمی بر موازنه بازرگانی کشور، نرخ ارز،

۲۰۰۶ ذخایر نفت ایران ۱۳۸.۴۰۰ میلیارد بشکه و ذخایر گاز آن، معادل ۲۶۸۵۰ میلیارد متر مکعب بود (بریتیش پترولیوم ۲۰۰۶).

۲. بخش انرژی در اقتصاد ایران حائز اهمیت است

مصرف انرژیهای اولیه در کشور در سال ۲۰۰۵ در حدود ۱۶۱/۹ میلیون تن معادل نفت و گاز بود که ۱۵۸ میلیون تن یا ۹۷/۶ درصد آن از نفت و گاز تامین شد (گزارش سال ۲۰۰۶ اوپک). در سال ۲۰۰۵ در دوره برنامه سوم و چهارم اقتصاد ایران به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت و گاز با شوک مثبت نفتی مواجه شد (نمودار ۱).

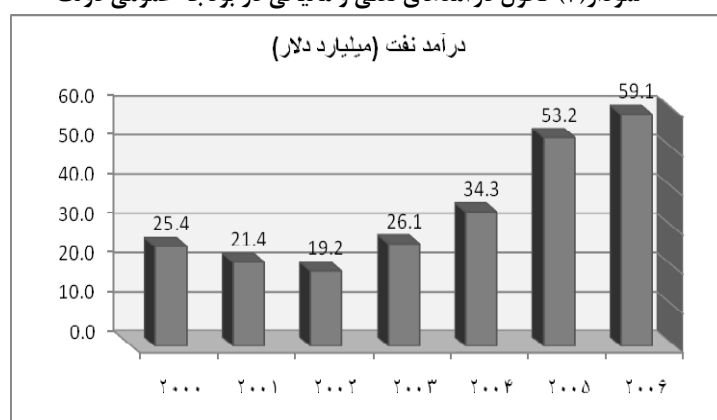
نمودار (۱) تحول درآمدهای نفتی در دوره ۲۰۰۶-۲۰۰۰



به موازات افزایش درآمدهای نفتی بخش مهمی از آن در بودجه عمومی دولت به مصرف رسید و سهم نفت در مقایسه با مالیاتها در تأمین منابع مالی بودجه روز افزون شد (نمودار ۲).

در دوره برنامه سوم از حدود ۱۳۰/۳ برنامه ۶۵/۸ درصد درآمدهای نفتی توسط میلیارد دلار درآمدهای نفتی کشور مبلغ دولت خرج شد. شایان ذکر است که ۸۵/۸ میلیارد دلار توسط دولت در بودجه مخارج شرکت نفت از محل درآمدهای عمومی به مصرف رسید. در دوره این نفتی در این رقم منظور نشده است.

نمودار (۲) تحول درآمدهای نفتی و مالیاتی در بودجه عمومی دولت



جدول (۱): دلارهای نفتی در بودجه دولت در برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹) (به میلیون دلار)

ردیف	شرح	دوره برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
۱	منابع در نظر گرفته شده در قانون برنامه	۵۶۶۷۴
۲	افزایش منابع ارزی در قوانین بودجه سنواتی	۱۲۰۲۷
۳	برداشت از حساب ذخیره ارزی بابت هزینه های ریالی دولت	۹۴۲۲
۴	باز پرداخت وامهای ارزی و مابه التفاوت نرخ ارز تعهدات ارزی	۷۶۳۸
۵	جمع کل منابع ارزی استفاده شده توسط دولت	۸۵۷۶۱
۶	ارزش صادرات نفت و گاز	۱۳۰۲۵۵
۷	نسبت منابع ارزی دولت به عواید نفت و گاز	۶۵.۸۴

مأخذ: به نقل از دکتر مهدویان

در دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مقرر شده بود برداشت دولت از محل درآمدهای نفتی در چهار سال اول برنامه ۸۱/۶ میلیارد دلار باشد. اما عملکرد دو سال اول برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۸۶ و لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ بیانگر آن است که دولت در صدد است ۱۶۳/۷ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی را در ظرف مدت چهار سال به اقتصاد کشور تزریق کند (جدول ۲ و نمودار ۳). بدین ترتیب دولت بیش از دو برابر مبلغ مورد نظر برنامه را در چهار سال اول برنامه به مصرف خواهد رسانید.

جدول (۲): دلارهای نفتی بودجه دولت در چهار سال اول برنامه چهارم (۱۳۸۴ - ۱۳۸۷) میلیون دلار

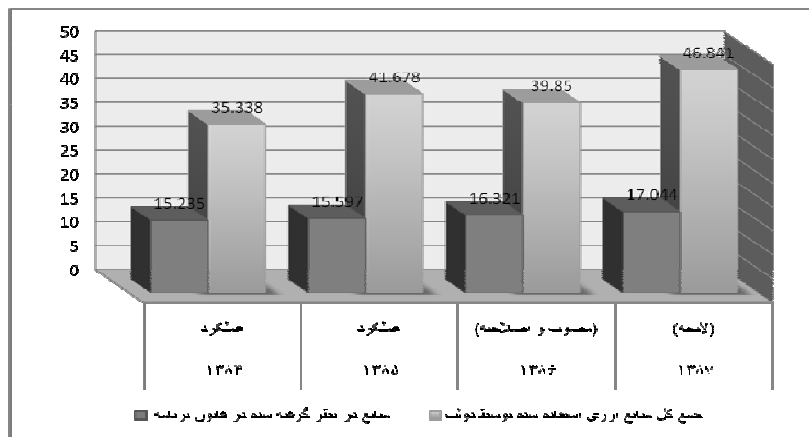
ردیف	شرح	۱۳۸۴ عملکرد	۱۳۸۵ عملکرد	۱۳۸۶ اصلاحی	۱۳۸۷ لایحه
۱	منابع در نظر گرفته شده در قانون برنامه	۱۵۲۳۵	۱۵۵۹۷	۱۶۳۲۱	۱۷۰۴۴
۲	افزایش منابع ارزی در قوانین بودجه سنواتی	۱۲۳۵۱	۱۰۰۸۲	۹۲۹۷	۱۲۸۳۸
۳	برداشت از حساب ذخیره ارزی بابت هزینه های ریالی دولت	۷۷۵۲	۱۵۹۹۹	۱۴۲۳۲	۱۶۹۵۹
۴	باز پرداخت وامهای ارزی و مابه التفاوت نرخ ارز تعهدات ارزی
۵	جمع کل منابع ارزی استفاده شده توسط دولت	۳۵۳۳۸	۴۱۶۷۸	۳۹۸۵۰	۴۶۸۴۱
۶	ارزش صادرات نفت و گاز	۵۳۸۲۰	۶۲۴۵۸	۷۲۸۳۴	
۷	نسبت منابع ارزی دولت به عواید نفت و گاز (درصد)	۶۵.۷	۶۶.۷	۵۴.۷	

توضیحات:

توجه به افزایش قیمت نفت در سال ۸۶
انتظار می‌رود عملکرد کشور بهتر باشد.
۳- منابع ریالی حاصل از نفت و
حساب ذخیره ارزی در بودجه سال ۸۷
بر اساس هر دلار آمریکا ۸۹۰۰ ریال به ارز
تبدیل شده است.

۱- منابع بودجه در برنامه چهارم به
نقل از جدول شماره ۸ قانون برنامه
چهارم.
۲- در اینجا ارزش صادرات نفت
و گاز در سالهای ۸۶ و ۸۷ برابر با سال ۸۵
در نظر گرفته شده است. در حالی که با

نمودار (۳) دلارهای نفتی در بودجه دولت در ۴ سال اول برنامه چهارم



دوران برنامه چهارم به همین دلیل شاهد
افزایش سهم نفت در تأمین منابع مالی
بودجه بوده ایم (جدول ۳).

بدین ترتیب به دنبال شوک مثبت
نفتی، سیاست مالی دولت این بوده است
که تا حد ممکن درآمدهای نفتی را از
طریق بودجه عمومی به مصرف برساند. در

جدول (۳): سهم نفت در بودجه (بدون شفاف سازی قیمت انرژی)

۱۳۸۷ لایحه	۱۳۸۶ مصوب	۱۳۸۶ عملکرد (۸ ماهه اول)	۱۳۸۵ عملکرد	۱۳۸۴ عملکرد	
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	منابع:
۴۶/۷	۴۳/۴	۴۳/۵	۴۰/۲	۴۲/۵	درآمدها
۲۴/۰	۲۷/۵	۳۲/۰	۳۱/۸	۳۹/۸	واگذاری داراییهای سرمایه‌ای
۲۹/۲	۲۹/۱	۲۴/۵	۲۸/۰	۱۷/۷	واگذاری داراییهای مالی
۵۷/۹	۶۵/۱	۶۴/۴	۶۲/۴	۶۷/۲	درآمدهای نفتی
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	مصارف
۶۱/۴	۶۲/۵	۷۷/۶	۷۲/۳	۶۸/۹	پرداختهای هزینه‌ای
۳۳/۵	۲۸/۸	۲۱/۶	۲۵/۳	۲۸/۵	تملك داراییهای سرمایه‌ای
۵/۱	۸/۷	۸/۰	۲/۴	۲۶	تملك داراییهای مالی

ماخذ: سالهای ۸۶-۱۳۸۴ از مقاله آقای دکتر کمیجانی در آخرین شماره نشریه روند. عملکرد سال ۱۳۸۶ و لایحه بودجه ۱۳۸۷ محاسبات نویسنده.

همانطور که می‌دانیم به دلیل عدم شفافیت هزینه‌های مربوط به پرداخت یارانه پنهان انرژی در بودجه، سهم نفت در منابع بودجه کمتر از واقع نشان داده می‌شود. اگر این یارانه پنهان در بودجه عمومی دولت شفاف شود سهم واقعی نفت در بودجه بهتر نمایان خواهد شد (جدول ۴).

جدول (۴): سهم نفت در منابع بودجه عمومی دولت با شفاف سازی یارانه انرژی

۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	
۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	منابع:
۲۵.۶۸	۲۷.۱۵	۲۱.۱	درآمدها
۲۰.۳۱	۲۵.۳۸	۳۰.۸۹	واگذاری داراییهای سرمایه‌ای
۱۷.۸۹	۱۱.۲۹	۱۴.۹۶	واگذاری داراییهای مالی
۳۶.۱۳	۳۶.۱۷	۳۳.۲	شفاف سازی
۷۷.۶۸	۷۹.۰	۸۲.۰	درآمدهای نفت و گاز
۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰	مصارف
۴۶.۱۹	۴۴.۸۴	۴۷.۳	پرداختهای هزینه‌ای
۳۶.۱۳	۳۶.۱۷	۳۳.۲	یارانه انرژی
۱۶.۱۷	۱۵.۹۴	۱۳.۰	تملك داراییهای سرمایه‌ای
۱.۵۱	۳.۰۴	۶.۵	تملك داراییهای مالی

توضیحات: سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ از نگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. سال ۱۳۸۵ برآورد نویسنده.

۴. اثرات نفت بر عملکرد اقتصادهای نفتی (چارچوب نظری بحث):

در ادبیات اقتصادی اثرات مثبت و منفی وفور منابع طبیعی و از آن جمله نفت و گاز بر اقتصادهای برخوردار از این منابع ثروت به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. درآمدهای نفت و گاز از دو طریق بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد: یکم از طریق پر کردن شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری. دوم از طریق پر

کردن شکاف ارزی کشور. این تأثیر مثبت به خودی خود تحقق نمی‌یابد و لازم است دولت نفتی عزم راسخی برای توسعه اقتصاد ملی داشته باشد و با ایجاد نهادها و اتخاذ سیاست‌های مناسب درآمدهای نفت و گاز را به مصرف برساند. تحقق اثرات مثبت آن موکول است به:

۱. ایجاد نهاد برنامه‌ریزی لازم و تخصیص درآمدهای نفت و گاز به سرمایه‌گذارهای عمرانی.

• بیماری هلندی که موجب صنعت‌زدایی قوی یا ضعیف می‌شود و اقتصاد را از سرریز تکنولوژی و رشد درازمدت محروم می‌کند.

• نوسانات قیمت نفت که موجب بی‌ثباتی اقتصادی و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

فرضیه مصیبت ثروت طبیعی بر پایه این مشاهده استوار است که اقتصادهایی که از نظر منابع طبیعی ثروتمندند، به‌طور متوسط آهسته‌تر از اقتصادهایی رشد می‌کنند که از این نظر فقیرند. برای مثال کشورهای ثروتمندی همچون ایران، نیجریه، ونزوئلا، آنگولا و اکوادور در چند دهه اخیر عملکرد ضعیفی داشته‌اند. در حالی که کشورهای آسیایی که از نظر منابع طبیعی فقیرتر بوده‌اند از رشد سریع اقتصادی برخوردار شده‌اند.^۱

یکی از توضیحات تناقض ثروت آن است که ثروت حاصل از منابع طبیعی موجب جنگ بر سر منابع موجود می‌شود و این به نوبه خود به کیفیت نازل نهادی و رشد کمتر می‌انجامد. در اینجا استدلال می‌شود که رانتهای زیادی که می‌توان از

۲. ایجاد نهادهای مالی تخصصی شامل بانکهای توسعه‌ای و بورس اوراق بهادار به منظور ارائه تسهیلات سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی داخلی و تأمین سرمایه بانکها از محل عایدات نفتی.

۳. ایجاد فضای کسب و کار پیش‌برنده توسعه اقتصادی و محیط مناسب سرمایه‌گذاری در کشور برای توسعه سریع بخش خصوصی در اقتصاد ملی.

عملکرد ضعیف اقتصادهای نفتی در مقایسه با عملکرد کشورهایی که اساساً دچار فقر منابع ثروت طبیعی بوده‌اند (مانند کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ) اقتصاددانان را به کنکاش در مورد علل این مسأله واداشته است. به همین جهت موضوع تناقض ثروت یا مصیبت وفور منابع طبیعی در اقتصادهای نفتی در ادبیات اقتصادی به خوبی شناخته شده است. در این زمینه اقتصاددانان سه نظریه زیر را ارائه داده‌اند:

• دولت رانتیر و رانت جوئی عاملان اقتصادی که به کاهش کیفیت نهادها و انگیزه نوآوری می‌انجامد و از این طریق بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.

۱. در این زمینه نگاه کنید به:

Gylfason, Thorvaldure (2001), Lessons from Dutch Disease, Institute of Economic Studies, Working Paper Services.

دیگران (۲۰۰۵)^۳ به این نتیجه رسیده‌اند که کشورهای صادرکننده سوخت، مواد معدنی، محصولات کشاورزی که در اراضی وسیعی به عمل می‌آیند، و تولیدکنندگان قهوه و کاکائو از نظر شاخص‌های حکمرانی وضع نامساعدتری دارند.^۴

توضیح دوم برای تناقض ثروت آن است که رانت حاصل از منابع طبیعی پرنوسان است. نوسان درآمدهای حاصل از صدور مواد اولیه تا حدودی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که منابع طبیعی عموماً دارای عرضه با کشش قیمتی پایین هستند. در مطالعات متعددی رابطه منفی نوسان درآمدها با رشد (رامی و رامی ۱۹۹۵)^۵ و سرمایه‌گذاری (آیزنمان و ماریون ۱۹۹۹)^۶ از جمله سرمایه‌گذاری در آموزش (فلاگ و دیگران ۱۹۹۸)^۷ تأیید شده است.

هاسمن و ریگوبن (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که دلیل اصلی این تأثیر منفی وجود نواقص در بازارهای مالی است

منابع طبیعی کسب کرد برای عاملان دولتی و خصوصی انگیزه ورود به فعالیت‌های رانت‌جویانه را فراهم می‌آورد. این وضع در اشتباهی ثروت‌اندوزی، فساد مالی و تعارضات داخلی قابل مشاهده است. انگیزه‌های رانت‌جویی زمانی غلبه می‌یابد که بازده خالص درگیرشدن در فعالیت‌های غیرمولد بیش از بازده خالص فعالیت‌های مولد برای ایجاد ثروت جدید باشد. هاسمن و ریگوبن (۲۰۰۳)^۱ استدلال می‌کنند که وجود منبع ثروت مشترک یا عدم قطعیت و نااطمینانی در مورد حقوق مالکیت بر سر درآمد منابع طبیعی به مبارزات غیرکارآمد بر سر منابع موجود می‌انجامد که می‌تواند موجب رشد اقتصادی پایین‌تر شود.

سالای مارتین و سوبرامانیان (۲۰۰۳)^۲ این را «اثر نهادی منابع طبیعی» می‌نامند و شواهد تجربی به دست می‌دهند که برخی از ثروت‌های طبیعی (به ویژه در کشورهای تولیدکننده نفت و مواد معدنی) تأثیر منفی بر رشد می‌گذارند و این تأثیر منفی از مجرای اثر مخرب این ثروت‌ها بر کیفیت نهادها عمل می‌کند. در مطالعه مشابهی ایشام و

3. Isham, J., Pritchett, L., Woolcock, M. and Busby, G.

4. Oomes, N., Kalcheva, K. Diagnosing Dutch Disease: Does Russia Have the Symptoms, IMF Working Paper, WP/07/102.

5. Ramey, G. and Ramey, V. A.

6. Aizenman, J. and Marion, N.

7. Flug, K., Spilimbergo, A. and Wachtenkeim, E.

1. Hausman, R. Rigobon, R.

2. Sala-i-Martin, X. and Subramanian, A.

۱. افزایش سریع تقاضا برای نیروی انسانی و خدمات زیربنایی با افزایش عرضه نیروی کار و خدمات زیربنایی همراه نشد. از این رو اقتصاد کشور شاهد تنگنای نیروی انسانی متخصص و کمبود برق و خدمات بندری شد. محدودیت ظرفیت مدیریت پروژه‌های بزرگ به همراه تنگناهای یاد شده موجبات تاخیرهای طولانی در اجرای پروژه‌های عمرانی گردید.

۲. مازاد موازنه بازرگانی به دلیل تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور موجب افزایش بی سابقه ذخایر بانک مرکزی شد و همین امر موجب تقویت پایه پولی و افزایش بی امان نقدینگی گردید. بدین ترتیب روی دیگر سیاست مالی انبساطی توسط دولت سیاست پولی انبساطی بود و این هر دو موجب تشدید فشارهای تورمی در اقتصاد کشور شد.

۳. تثبیت نرخ اسمی ارز به دلیل وفور دلارهای نفتی در اقتصاد به رغم تورم دو رقمی در داخل کشور، منجر به از دست رفتن توان رقابتی صنایع داخلی گردید. همچنین اعمال سیاست درهای باز به منظور کنترل تورم و نیز واردات کالاهای سرمایه‌ای

که در نتیجه آن، نوسانات به هزینه بالاتر سرمایه، سرمایه‌گذاری کمتر و رفاه کمتر می‌انجامد.

سومین توضیح در باب تناقض منابع طبیعی مبتنی بر فرضیه بیماری هلندی است. این موضوعی است که کوردن (۱۹۸۲)^۱ و کوردن و نیروی (۱۹۸۴)^۲ آن را تشریح کرده‌اند. براساس تحلیل آنان بیماری هلندی زمانی رخ می‌دهد که قیمت منابع طبیعی یا تولید آن افزایش می‌یابد و این افزایش به افزایش نرخ واقعی ارز و افول بخش صنعتی می‌انجامد. تحت شرایط خاص می‌توان نشان داد که این پدیده به رشد درازمدت پایین‌تر می‌انجامد.

اثرات رونق نفتی بر اقتصاد ایران

تجربه افزایش سریع قیمت نفت در دوره برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۲-۱۳۵۶) منفی بود. در آن دوره زمامداران کشور دچار این توهم شدند که با عایدات حاصل از فروش ثروت نفتی و تزریق آن به اقتصاد می‌توان یک شبه ره صد ساله را پیمود و به سرعت قدم در راه صنعتی شدن گذاشت. اما بر خلاف تصور آنان با تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور شاهد پیامدهای زیر بودیم:

1. Corden, W. M.

2. Corden, W. M. and Neary, Y. P.

بیکاری، فقر و محرومیت توده‌های مردم را از این طریق حل کند. بدین ترتیب تلاش شد موانع موجود در جهت تزریق هر چه سریعتر و بیشتر درآمدهای ارزی به اقتصاد با اتخاذ تدابیر چندی از میان برداشته شود. انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی استانها و ادغام آنها در استانداریها اولین قدم در این راستا بود. انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و ایجاد معاونت جدید برنامه ریزی و هماهنگی در نهاد ریاست جمهوری گام دوم در این جهت محسوب می‌شود. قدم سوم با نوآوری اخیر دولت در زمینه شکل ارائه بودجه به مجلس برداشته شد. دولت از این طریق می‌خواست از قید و بندهای نظارتی مجلس قانونگذاری بر تعیین مناسبات مالی دولت با شرکت ملی نفت (حذف تبصره ۳۸ بودجه ۱۳۵۸) و نظارت مجلس بر نحوه دخل و خرج خود در بودجه رهایی یابد.

نکته درخور تأمل این است که دولت به تخصیص منابع نفتی در بخش عمومی اکتفا نکرده و با منضم کردن سیستم بانکی به مالیه عمومی می‌خواهد شیوه تخصیص اعتبارات بانکی به بخش خصوصی را نیز یکسره تحت سیطره خود درآورد. انحلال شورای پول و اعتبار، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی،

و واسطه‌ای مورد نیاز اقتصاد کشور بیلان واردات را به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش داد.

۴. میل به نظامی‌گری و خریدهای گسترده تسلیحات نظامی در این دوره به اوج خود رسید و بخش درخور توجهی از درآمدهای نفتی صرف خرید تسلیحات پیشرفته از خارج، پرداخت حقوق مستشاران نظامی خارجی و گسترش هزینه‌های جاری ارتش شد.

۵. فساد مالی در دستگاههای دولتی افزایش یافت و نارضایتی عموم مردم از توزیع ثمرات رشد اقتصادی تشدید شد.

۶. برنامه پنجم به اهداف جاه‌طلبانه آن نرسید. از این گذشته با بزرگ شدن دولت و پیشی گرفتن مخارج از درآمدهای نفتی در سال آخر برنامه، دولت وقت گرفتار کسری بودجه شد.

رونق نفتی سالهای اخیر نیز یکبار دیگر این توهم را در نزد دولتمردان کشور به وجود آورد که دلارهای نفتی حلال مشکلات کشور خواهد بود. با این تفاوت که به جای رسیدن به یک جامعه صنعتی پیشرفته و گشودن " دروازه تمدن بزرگ " این بار دولت درصدد برآمد با تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور مشکلات

می‌شود و نتایج منفی مشابهی از تزریق درآمدهای نفتی به بار می‌آید. عدم تحقق اهداف برنامه چهارم در زمینه رشد اقتصادی و ناتوانی دولت در مهار تورم، افزایش بی‌رویه بیلان واردات کشور، بزرگ شدن دولت و رکود نسبی بخش صنعت، گرانی بی‌سابقه مسکن شهری در این دوره تردیدی باقی نمی‌گذارد که تزریق بی‌مهابای درآمدهای نفتی به اقتصاد اثرات زیانباری در پی داشته است.

روش بهینه مصرف درآمدهای نفت و گاز (رهیافت نظری)

ثروت نفت و گاز به همه نسلها تعلق دارد. این ثروت بین نسلی در عین حال تجدیدنپذیر است. عدالت بین نسلی ایجاب می‌کند که هر نسلی ضمن برخورداری از این موهبت طبیعی، حقوق نسلهای آتی را رعایت کند. روش بهینه مصرف درآمدهای نفت و گاز مستلزم آن است که بخشی از این درآمدها پس‌انداز شود و این پس‌اندازها در داراییهای مالی کم‌ریسک سرمایه‌گذاری گردد. به موجب این قاعده باید رفتار بین دوره‌ای مصرف و پس‌انداز درآمدهای نفتی باید به نحوی تنظیم شود که مجموع ثروت سرانه نفتی و مالی اتباع کشور در طول زمان ثابت باقی بماند. به نحوی که ارزش حال ثروت مالی در زمانی که این منابع ثروت طبیعی به پایان

تخصیص ۴۳ هزار میلیارد تومان به طرحهای زودبازده، تنظیم شیوه‌نامه جدیدی برای رفتار بانکها و غیره را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد.

در این میان تحریم اقتصادی اتحادیه اروپا، ژاپن و ایالات متحده موجب اختلال در تجارت خارجی شده و مانع از استفاده سهل از دلارهای نفتی گردیده است. بدین ترتیب ایران نمی‌تواند به سهولت از مزایای تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی بهره‌مند شود.

تضعیف نهادهای برنامه‌ریزی و پولی و بانکی و تغییرات گسترده مدیران اجرایی کشور نیز موجب تضعیف ظرفیت و کیفیت سیاستگذاری در بخش عمومی شده است و فضای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را از طریق وخیم‌تر کردن محیط کسب‌وکار نامساعد کرده است.

با توجه به تضعیف نهادهای برنامه‌ریزی و پولی و بانکی و اختلال در مناسبات بین‌المللی و تنزل ظرفیت سیاستگذاری اقتصادی به نظر می‌رسد این بار تخلیه بی‌ضابطه دلارهای نفتی در اقتصاد نتایج منفی بیشتری به بار خواهد آورد.

متأسفانه چنین پیدا است که به دلیل بی‌توجهی به تجربه منفی گذشته تاریخ یکبار دیگر به زیان اقتصاد کشور تکرار

اجتماعی یکسان باشد مصرف بین دوره‌ای ثابت خواهد ماند. اما اگر نرخ ترجیح زمانی کمتر از نرخ تنزیل باشد مصرف هر دوره بیش از مصرف دوره قبل خواهد بود و بالعکس.

در الگوی فوق اندازه جمعیت را ثابت در نظر گرفتیم. با در نظر گرفتن رشد جمعیت می‌توان قاعده مصرف بهینه را به شرح زیر بدست آورد:

۱. ابتدا با توجه به نرخ بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز، قیمت متوسط هر بشکه نفت و گاز، هزینه بهره‌برداری از این ذخایر و انتخاب نرخ تنزیل مناسب، ارزش حال ثروت نفتی محاسبه می‌شود.

۲. سپس با توجه به اندازه جمعیت کشور در سال پایه، ارزش حال سرانه ثروت نفتی محاسبه می‌شود.

۳. چون هدف این است که این ارزش سرانه در طول زمان ثابت باقی بماند، در هر سال مصرف سرانه برابر خواهد بود با تفاضل نرخ بهره و رشد جمعیت ضربدر مبلغ ثروت سرانه.

۴. مصرف کل درآمدهای نفت و گاز با توجه به پیش‌بینی نرخ رشد جمعیت و اندازه جمعیت کشور در هر

می‌رسد، معادل ارزش حال ثروت طبیعی در زمان حاضر شود. این روش مصرف درآمدهای نفت و گاز از یک الگوی ساده بهینه‌یابی بین دوره‌ای قابل استخراج است:

اگر $r = \delta$ $C_t = C_{t-1}$ باشد:

$$\max: U = \sum_{t=0}^T \frac{\ln C_t}{(1+\delta)^t}$$

$$S.t: \sum_{t=0}^T \frac{C_t}{(1+r)^t} = \sum_{t=0}^T \frac{Y_t}{(1+r)^t}$$

$$C_t = \left[\frac{(1+r)}{(1+\delta)} \right] C_{t-1}$$

در رابطه اول مطلوبیت بین دوره‌ای مصرف درآمدهای نفت و گاز با یک تابع لگاریتمی ساده نشان داده شده است. در معادله فوق ارزش حال مطلوبیت اجتماعی مصرف با توجه به نرخ ترجیح زمانی جامعه محاسبه شده است. هدف آن است که مقدار این تابع به حداکثر خود برسد. در معادله دوم قید الگو مشخص شده است. بدیهی است ارزش حال مصرف درآمدهای نفت و گاز نمی‌تواند بیشتر از ارزش حال درآمدهای آتی آن باشد. این الگوی بین دوره‌ای را می‌توان با تشکیل لاگرانژین و مشتق‌گیری از آن حل کرد. نتیجه محاسبات جبری در معادله سوم مشخص شده است. همانطور که نشان داده شده اگر نرخ تنزیل با نرخ ترجیح

سال به سهولت قابل محاسبه خواهد بود.

۵. باید توجه داشت که در اینجا مصرف به قیمت ثابت سال مبنای محاسبه شده است و در عین حال باید توجه داشت که مصرف کل می‌تواند صرف هزینه‌های جاری و عمرانی شود. ویژگی دیگر عایدات نفت و گاز پرنوسان بودن آن است. شوکهای منفی درآمدهای نفتی اقتصاد کشورهای نفت‌خیز را دچار کسری بودجه و کسری تراز پرداختها می‌کند و از این رهگذر بر رشد اقتصادی آنها تاثیر منفی می‌گذارد. در عین حال افزایش درآمدهای نفتی موجب مازاد تجاری و بزرگ شدن اندازه دولت می‌شود. ایجاد حساب ذخیره ارزی راه مناسبی برای تثبیت درآمدهای نفتی و جلوگیری از شوکهای زیانبار به اقتصاد کشور است. از این طریق میزان درآمدهای نفتی در دسترس دولت در طول زمان تسطیح می‌شود. بدیهی است ماهیت و کارکرد حساب ذخیره ارزی متفاوت از ماهیت و کارکرد حساب پس انداز درآمدهای نفت و گاز است. اما می‌توان با تشکیل صندوق واحد درآمدهای نفت و گاز این دو کارکرد را در هم ادغام کرد.

تجربه حساب ذخیره ارزی در ایران:

در برنامه سوم با توجه به تجارب گذشته کشور، برنامه‌ریزان اقتصادی به درستی به این نتیجه رسیدند که از طریق ایجاد حساب ذخیره ارزی با نوسانات زیانبار عایدات نفتی مقابله کنند. این حساب به موجب تبصره ۶۰ قانون برنامه سوم با اهداف زیر شکل گرفت:

- کاهش شوک‌پذیری اقتصاد کشور و به طور مشخص بودجه دولت از نوسانات بازار جهانی نفت خام.
- افزایش پس‌انداز ملی در سالهای رونق نفتی.
- ایجاد اطمینان در عاملان اقتصادی.
- تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی.

به موجب ماده (۱) قانون برنامه چهارم تداوم فعالیت حساب ذخیره ارزی حاصل از عواید نفت در طول سالهای برنامه تضمین شد. در برنامه چهارم به منظور کاهش اتکای دولت به عایدات نفتی مقرر شد تا پایان برنامه، دولت اعتبارات هزینه‌ای خود را به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی تأمین کند (ماده ۲ قانون برنامه چهارم). همچنین تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک

مرکزی و سیستم بانکی ممنوع شد (همانجا).

به منظور دستیابی به حداکثر بهره‌وری در استفاده از منابع تجدیدناپذیر انرژی، مقرر شد در طی برنامه قیمت نفت کوره، نفت گاز و بنزین به قیمت‌های عمده فروشی خلیج فارس افزایش یابد و دولت منابع حاصله را برای کمک مستقیم به اقشار آسیب‌پذیر، مقاوم‌سازی ساختمانها و مسکن شهری و روستایی، بهینه‌سازی ساخت‌وسازها در مصرف انرژی، کمک به بهبود حمل‌ونقل عمومی و بهینه‌سازی مصرف سوخت در صنایع به کار برد (ماده ۳ قانون برنامه چهارم).

عملکرد حساب ذخیره ارزی در دوران برنامه سوم به قرار زیر بود:

✓ دولت در برنامه سوم ۲۹/۱ میلیارد دلار به این حساب واریز کرد. ✓ با آن که در دوران برنامه درآمد ارزی نفت کاهش نیافت، دولت ۱۷/۱ میلیارد دلار از حساب ذخیره ارزی برداشت.

✓ تا پایان آبان ماه سال ۱۳۸۴ از محل حساب ذخیره ارزی ۷/۲ میلیارد دلار اعتبار اسنادی برای طرحهای بخش خصوصی گشایش اعتبار شد که از این مبلغ ۵/۲ میلیارد دلار مورد استفاده قرار گرفت.

✓ مانده حساب ذخیره ارزی در آغاز سال ۱۳۸۴ در حدود ۹۴۷۸ میلیون دلار بود.

دولت در دوره برنامه چهارم گزارش مستند و تفصیلی از عملکرد حساب ذخیره ارزی منتشر نساخته است. گزارش بانک مرکزی حاکی از آن است که موجودی نقدی این حساب در پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۶ معادل ۸۷۰۶ میلیون دلار بوده است. اما اگر تعهدات حساب از این مبلغ کسر شود موجودی حساب به میزان ۱۹۳۹ میلیون دلار منفی خواهد شد. گفتنی است که در دو سال و نیم اول برنامه چهارم عایدات دولت از صدور نفت و گاز ۱۵۲/۷ میلیارد دلار بوده که تا پایان سال جاری حداقل به ۱۸۹/۱ میلیارد افزایش خواهد یافت. از مبلغ اخیر در سه سال اول برنامه ۱۱۶/۹ میلیارد یا ۶۱/۸ درصد به بودجه دولت وارد شده است. قراین گویای آن است که دولت به میزان واریز خود به حساب از آن برداشت کرده است. نحوه مصرف بقیه درآمد ارزی در ابهام جدی قرار دارد. بدین معنی که پس از کسر ۶ درصد سهم شرکت نفت از کل عایدات نفتی سه سال اخیر که بالغ بر ۱۱/۴ میلیارد دلار می شود و احتساب برداشتهای دولت تا پایان سال مبلغ ۶۰/۸ دلار باقی می‌ماند. این

وجوه به حساب ذخیره ارزی واریز نشده و مجلس نیز از کم و کیف مصرف آن اطلاع دقیقی ندارد.

سرنوشت حساب ذخیره ارزی گویای این واقعیت است که مجلس قانونگذاری به مصوبات خود پایبند نیست و دولت تمایل غیر قابل مهاری برای افزایش مخارج خود از محل عایدات نفتی دارد. از آنجا که خواسته‌های مردم از دولت بی‌پایان است و نمایندگان مجلس و اعضای دولت تمایل دارند این خواسته‌ها هر چه زودتر برآورده شود، مردم و نمایندگان آنها و دولت همگی در راه خرج کردن عایدات نفتی همدل و همزبان شده اند. اما در این میان از این نکته اساسی غفلت می‌شود که تخلیه عایدات نفتی در اقتصاد کشور نه تنها حلال مشکلات کنونی کشور نیست بلکه موجب پیامدهای اقتصادی زیانبار می‌شود.

الگوی بهینه مصرف عایدات نفت و گاز در کشور

چارچوب نظری الگوی بهینه مصرف درآمدهای نفت و گاز در بالا تشریح شد. اکنون می‌خواهیم با در نظر گرفتن مفروضات معین بدانیم اگر دولت بخواهد رفتار خود را در قالب چنین الگوی بهینه‌ای تنظیم کند همه ساله باید چه

مقدار از عایدات نفت و گاز را پس‌انداز و چه مقدار از آن را مصرف کند.

شایان ذکر است که بانک جهانی در بررسی خود از سیاستهای مالی دولت در دهه ۱۳۷۰ به این نتیجه رسیده بود که در آن دهه دولت ایران مبلغی معادل ۹۴/۵ میلیارد دلار صرف یارانه انرژی کرده است و از این طریق رشد اقتصادی ایران ۲ درصد کاهش یافته است. توصیه بانک جهانی عبارت بود از تصحیح مرحله‌ای قیمت حاملهای انرژی و استفاده از ثروت نفتی در جهت رشد اقتصادی بانک جهانی گزارش ۲۰۰۳).

آقای دکتر مهدویان در سال ۱۳۸۴ در ارزیابی عملکرد حساب ذخیره ارزی، تحلیل ارزشمندی از تاثیرات منفی نفت بر اقتصاد ارائه داده‌اند و در قسمت آخر گزارش خود با استفاده از الگوی پیش گفته میزان مصرف و پس‌انداز بهینه عایدات نفتی را برآورد کرده‌اند. ایشان در همین گزارش پژوهشی، پیشنهاد تشکیل صندوق درآمدهای نفت و گاز را ارائه داده‌اند (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴).

در زیر پس از تشریح مفروضات به کار رفته در الگوهای نفت و گاز نتایج بدست آمده از این الگوها مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

جدول (۵): مفروضات الگوی نفت

ردیف	شرح	واحد مقدار	مقدار
۱	ذخایر اثبات شده نفت کشور	میلیارد متر مکعب	۱۳۸.۴۰۰
۲	سطح برداشت در سال ۱۳۸۵	هزار بشکه در روز	۴۰۵۱
۳	حداکثر برداشت (در سال ۱۴۳۶)	هزار بشکه در روز	۱۲۶۹۵
۴	میانگین برداشت طی دوره	هزار بشکه در روز	۷۲۹۲
۵	عمر ذخایر نفتی	سال	۵۲
۶	قیمت نفت خام در سال ۱۳۸۵	دلار در هر بشکه	۶۸.۱۵
۷	هزینه برداشت نفت خام	دلار در هر بشکه	۵.۰۰
۸	نرخ بهره واقعی	درصد	۴
۹	ارزش حال دارای نفت خام کشور	میلیارد دلار	۳۰۱۳.۱
۱۰	مصرف سرانه از محل نفت	دلار سال ۲۰۰۶	۱۰۹۶.۲۷

در سال ۱۳۸۵ به ۵ میلیون بشکه در روز برسد. اما این برنامه تحقق نیافت. ۴. میانگین هزینه تولید نفت خام در ایران ۴/۲۰ دلار است. اما با احتساب هزینه تزریق گاز به چاهها برای جلوگیری از افت فشار این هزینه در حد ۵ دلار برآورد شده است. در مفروضات الگو تولید در سال ۱۳۹۴ به ۴۵۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. از آن پس با نرخ رشد سالانه ۲/۵ درصد رشد خواهد یافت.

در توضیح مفروضات فوق باید گفت:
 ۱. ذخایر نفت ایران در جدول فوق بر اساس گزارش ۲۰۰۶ ، BP نقل شده است.
 ۲. ایران برنامه افزایش تولید تا سال ۲۰۲۰ را به ۸ میلیون بشکه در روز دارد.
 ۳. بر اساس ۱۶ قرار داد بیع متقابل قرار بود ظرفیت تولید کشور

جدول (۶): مفروضات الگو در مورد گاز طبیعی

ردیف	شرح	واحد مقدار	مقدار
۱	ذخایر اثبات شده گاز طبیعی	میلیارد متر مکعب	۲۶۸۵۰
۲	سطح برداشت سال ۱۳۸۵	میلیارد متر مکعب	۱۴۱
۳	سطح برداشت سال ۱۳۹۲	میلیارد متر مکعب	۲۰۰
۳	حداکثر برداشت (در سال ۱۴۴۹)	میلیارد متر مکعب	۸۱۷.۱۳
۴	میانگین برداشت در طی دوره	میلیارد متر مکعب	۴۳۳.۱
۵	عمر ذخایر گاز کشور	سال	۶۲
۶	قیمت پایه ۱۰۰۰ متر مکعب گاز	دلار هر هزار متر مکعب	۴۵.۴۷
۷	هزینه تولید و انتقال هر ۱۰۰۰ متر مکعب گاز	دلار هر هزار متر مکعب	۴
۸	نرخ بهره واقعی	درصد	۴
۹	ارزش حال دارایی گاز کشور	میلیارد دلار	۲۸۴.۵۸
۱۰	مصرف سرانه از ثروت گاز	دلار	۱۰۳.۵۵

در پارس جنوبی ۲۲ فاز بهره‌برداری تعریف شده است که میزان تولید هر یک به طور متوسط ۲۵ میلیون متر مکعب در روز است. بدین ترتیب با اجرای این فازها در پارس جنوبی ظرفیت تولید سالانه به بیش از ۲۰۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. تا کنون فقط تعداد ۵ فاز به بهره‌برداری رسیده است. فازهای ۶ و ۷ برای تزریق گاز به چاههای نفت در نظر گرفته شده است. میزان تزریق به این چاهها باید

در مورد بهره‌برداری از ذخایر گاز کشور نکات زیر قابل طرح است:

۱. تولید گاز طبیعی در کشور از ۸۰ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۷۹ به ۱۴۱ میلیارد متر مکعب در سال ۱۳۸۵ رسید. یعنی رشد سالانه ۹/۹ درصد.
۲. مصرف داخلی گاز طبیعی در فاصله زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ از ۵۸/۷ میلیارد متر مکعب به ۱۰۶/۷ میلیارد متر مکعب رسید. یعنی رشد سالانه ۱۰/۵ درصد.

۱۳۸۳ در حدود ۵/۸ میلیارد متر مکعب بود. در سال ۱۳۸۶ صادرات روزانه گاز ایران ۳۰ میلیون متر مکعب است که در صورت بهره‌برداری از خط لوله پاکستان نیز صدور ۳۰ میلیون متر مکعب گاز در روز به این میزان افزوده خواهد شد.

۵. قیمت گاز صادراتی ایران در سال ۱۳۸۶ بین ۲۳ تا ۳۰ دلار به ازای هر هزار متر مکعب است.

روزانه ۳۰۰ میلیون متر مکعب باشد اما فعلاً در عمل ۷۵ میلیون متر مکعب گاز تزریق می‌شود.

۳. برنامه تولید ایران ۱۵۰۰ میلیون متر مکعب در روز برآورد شده است؟

۴. صادرات گاز کشور در سال ۱۳۷۹ صفر بود. اما در سال ۱۳۸۰ آغاز شد و در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴/۸ میلیارد متر مکعب رسید. گفتنی است که واردات گاز کشور در سال

جدول (۷): مفروضات جمعیت کشور در الگو

ردیف	شرح	واحد مقدار	مقدار
۱	جمعیت کشور در سال ۱۳۸۵	میلیون نفر	۷۰.۴۷
۲	نرخ رشد سالانه جمعیت	درصد	۱.۴
۳	جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰	میلیون نفر	۸۶.۸۱
۴	جمعیت کشور در پایان عمر ذخایر نفتی (سال ۱۴۳۷)	میلیون نفر	۱۴۵.۲

گفتنی است که نرخ رشد سالانه جمعیت کشور در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ در حدود ۱.۶ درصد بوده است.

جدول (۸) ارزش تولید و مصرف نفت و گاز به قیمت سال پایه (میلیارد دلار)

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	
۱۰۷.۱	۱۰۵.۴	۱۰۳.۹	۱۰۲.۳	۱۰۰.۷	ارزش تولید نفت و گاز
۹۰.۶	۸۹.۴	۸۸.۱	۸۶.۹	۸۵.۷	ارزش مصرف نفت و گاز
۱۶.۵	۱۶.۰	۱۵.۸	۱۵.۴	۱۵.۰	واریز به صندوق درآمد نفت و گاز

جدول (۹): تحول موجودی صندوق درآمد نفت و گاز

۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	
۶۷.۲۸	۴۹.۰	۳۱.۶۲	۱۵.۳	--	مانده اول سال
۱۶.۵	۱۶.۰	۱۵.۸	۱۵.۴	۱۵.۰	واریز از محل درآمد نفت
۳.۰۲	۲.۲۸	۱.۵۸	۰.۹۲	۰.۳	سود متعلق به موجودی
۸۶.۸	۶۷.۲۸	۴۹.۰	۳۱.۶۲	۱۵.۳	مانده پایان دوره

در جدول (۹) نرخ سود سالانه ۴ درصد محاسبه شده است. به موجودی اول هر دوره سود برای یکسال تعلق می‌گیرد. اما به واریزی در طول دوره، ۶ ماه سود تعلق می‌گیرد. نتایج الگوی فوق بیانگر این است که الگوی مصرف کنونی عایدات نفت و گاز غیر بهینه است. در صورت رعایت الگوی بهینه مصرف دولت می‌تواند در ظرف یک دوره ۵ ساله به پس اندازی معادل ۸۶/۸ میلیارد دلار دست یابد. شایان ذکر است که این مبلغ به قیمت ثابت سال ۱۳۸۵ محاسبه شده است. در صورتی که این وجوه در اقتصاد ملی تزریق نشود و در اوراق بهادار کم‌خطر در بازار جهانی سرمایه‌گذاری شود، نقدینگی کشور نیز به صورت بی‌رویه افزایش نخواهد یافت و مهار تورم و تثبیت اقتصادی آسانتر خواهد

شد. بدین ترتیب ضمن رعایت عدالت بین‌نسلی اقتصاد کشور از عوارض بیماری هلندی تا حدود زیادی مصون خواهد ماند.

پیشنهاد تشکیل صندوق درآمد نفت و گاز

در راستای تحقق الگوی بهینه مصرف عایدات نفت و گاز و به منظور تحقق آن لازم است صندوقی تحت عنوان صندوق درآمد نفت و گاز تشکیل شود. در زیر اهداف و ارکان صندوق و منابع مالی آن به نقل از گزارش ارزشمند جناب آقای دکتر مهدویان توضیح داده شده است.

اهداف صندوق

- تأمین عدالت بین نسلی
- ایجاد ثبات در درآمدهای بودجه و کاهش اتکا و آسیب‌پذیری بودجه و اقتصاد ملی به نفت
- استفاده از بخشی از منابع مالی صندوق برای پرداخت دیون دولت به بانکها و تقویت نظام بانکی کشور
- توسعه و اجرای فعالیتهای تولیدی و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی از طریق اعطای وام ارزی

ارکان صندوق

- هیئت امنای مرکب از وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، رئیس کل بانک مرکزی و یک نفر نماینده از کمیسیون اقتصادی مجلس.

- دبیرخانه هیئت امنای بانک مرکزی خواهد بود.

- هیئت مدیره صندوق درآمد نفت از رئیس کل بانک مرکزی و سه نفر کارشناس خوشنام، خیره و متخصص در امور مالی از وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک مرکزی ایران تشکیل می‌شود. رئیس کل بانک مرکزی ریاست هیئت مدیره را بر عهده خواهد داشت.

- بازرس ویژه که از طرف هیئت امنای تعیین و منصوب می‌شود.

منابع مالی صندوق

- در ابتدای تشکیل صندوق مانده درآمد نفت نسبت به رقم تخصیصی به بودجه سنواتی.

- وجوه انباشتی صندوق از محل صادرات نفت خام صرفاً در زمینه ابزارهای مالی در بازارهای بین‌المللی سرمایه‌گذاری خواهد شد.

- در شرایط ویژه تا سقف ۲۰ درصد وجوه انباشتی صندوق برای تقویت بازار سرمایه داخلی قابل تخصیص خواهد بود.

- منابع مالی انباشتی در صندوق درآمد نفتی از محل اصلاح تدریجی قیمت فرآورده‌های داخلی صرفاً برای سرمایه‌گذاری دولت در زمینه تکنولوژی‌های نوین معطوف به صرفه‌جویی انرژی، بهبود حمل‌ونقل عمومی کلانشهرها، کاهش آلودگی هوا و بهبود محیط زیست در قالب بودجه سنواتی کشور قابل تخصیص می‌باشد.

مسئولیت پذیری، شفافیت و اطلاع

رسانی

- منابع مالی صندوق درآمد نفت مستقل از سایر اموال و داراییها و حسابهای انتظامی بانک مرکزی نگهداری خواهد شد.

- هیئت امنای صندوق گروه حسابرسی مستقلی را برای حسابرسی

- به تدریج در ظرف مدت ۵ سال کل درآمد نفت مستقیماً به حساب صندوق واریز خواهد شد.

- در فاصله تشکیل صندوق تا پایان افق مورد نظر، همه ساله بخش کاهنده‌ای از درآمد نفت به بودجه دولت و بخش فزاینده‌ای به حساب صندوق تخصیص خواهد یافت.

- فرایند حاکم بر تولید و فروش نفت خام برای تولید فرآورده‌های داخلی نیز مشمول ترتیبات تدریجی مشابه فوق خواهد بود و تلاش خواهد شد تا پایان دوره دوم پنج ساله فروش فرآورده‌ها در بازار داخلی به قیمت صادراتی خلیج فارس و منابع مالی فروش نفت خام آن به حساب صندوق واریز شود.

- سود حاصل از فعالیتهای مالی صندوق.

تخصیص منابع صندوق:

- تا سقف ۲۰ درصد وجوه انباشتی در پایان هر سال به صورت تسهیلات ارزی میان‌مدت و بلندمدت به بخش‌های غیردولتی اعطا خواهد شد

عملیات مالی صندوق تعیین و مأمور خواهد کرد.

- صندوق هر شش ماه یکبار توسط حسابرسان داخلی و سالی یکبار توسط حسابرسان مستقل خارجی مورد حسابرسی قرار می‌گیرد.
- گزارشهای مالی صندوق هر سه ماه یکبار منتشر خواهد شد.
- هیئت مدیره صندوق تلاش خواهد کرد اطلاعات مربوط به صندوق را به‌طور منظم در اختیار دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام و جامعه مدنی قرار دهد.

در پایان باید گفت تجربه نشان داده است که افق زمانی مجالس قانونگذاری و قوه مجریه محدود به دوره خدمت آنها

یعنی ۴ سال است. همین افق محدود زمانی رفتار مالی دولت و مجلس را شکل می‌دهد. اما تجربه نشان داده است که سیاست مالی بهینه در بلندمدت با رفتار دولت و مجلس همخوانی ندارد. در عین حال مصالح دراز مدت نظام ایجاب می‌کند که تضمینی برای تنظیم و اجرای یک سیاست مالی درازمدت به‌وجود آید. به نظر می‌رسد که بدون حمایت مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام این مقصود عملی نخواهد بود. لذا توصیه می‌شود مجمع تشخیص مصلحت نظام ابتکار تشکیل صندوق درآمد نفت و گاز را در دست گیرد و پس از رایزنی با مقام رهبری گامهای قانونی را در جهت این مقصود بردارد.